

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال ششم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۲ - شماره پیاپی ۲۰

بررسی سبک‌شناسی قصاید میرزا احمد صبور کاشی

(ص ۱۸۲-۱۶۷)

خلیل حدیدی (نویسنده مسئول)^۱، حمید رضا فرضی^۲، علی آذرگون^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۲/۱۴

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۳/۲۰

چکیده

میرزا احمد صبور کاشی، از شاعران قرن سیزدهم هجری قمری و سبک بازگشت ادبی بشمار می‌رود؛ صبور کاشی از شعرای عهد فتحعلی شاه قاجار و از ندمای دربار بود، در خط و ربط و نظم و نثر و انشاء و اخلاق فاضله مقامی عالی داشت. صبور کاشی از میان سبک‌های شعر فارسی به سبک خراسانی روی آورده و در ساختن قصیده و غزل استادی بسیاری از خود نشان داده و در قصیده‌سرایی بیشتر پیرو سبک امیر معزی بوده است. با توجه به اهمیت قصاید صبور که بیشتر در مدح خاتم‌الانبیاء، ائمه معصومین علیه‌السلام، و در مدح فتحعلی شاه قاجار و عباس میرزا سروده شده است؛ در این مقاله بر آنیم تا ویژگی‌های سبک‌شناسی و نوآوری‌هایی را که شاعر در اشعارش بدانها توجه داشته، در سه سطح زبانی، فکری و ادبی بررسی نماییم.

کلمات کلیدی

صبور کاشی، سبک‌شناسی، قصاید، ردیف، قافیه، موسیقی

۱. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز hrez2007@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز ali_azargoon@yahoo.com

مقدمه

میرزا احمد صبور کاشی از شاعران قرن سیزدهم و از اکابر زادگان دارالمؤمنین کاشان، برادرزاده ملک‌الشعرا صباست. «در کاشان پیش عم و پدر نشو و نما یافته، تقریباً به مؤلف [عبدالرزاق دنبلی] می‌گفت که جد ما از سلسله شما بوده از بلده خوی به کاشان آمده در آن دیار توطن کرده است. مشارالیه بعد از استقرار ولیعهد در آذربایجان به هوای خدمت به آذربایجان شتافت و در حضرت نایب‌السلطنه قرب و منزلت یافت و گاهگاهی در سلک مستوفیان به تحریر ارقام می‌پرداخت. از علوم رسمی با بهره و در فنون شاعری شهره بود. دیوانش پنج هزار بیت است و صحبتی نشاط‌آور و طبعی فصاحت گستر داشت و در منصب استیفا با شرکای غیور بر نتافت و چنانکه باید سر رشته خود را نیافت. هم‌تتش بلند بود. آهنگ جهاد و خیال جلال در سر آورده به صفوف صف آریان شیرگیر در آمد و فوج نو مسلمانان روس را که مشهور به «فوج بهادران» بودند منصب سرهنگی جست. در غزوه ارکوان طالش، هنگام شکست لشکر اسلام و رفتن همقدمان، درنگ کرده و در میان جنگل در حملات روسیه شهید شد و مدفنش در طالش است و نواب ولیعهد همان موجب و سیورغال او را به عیال او باز گذاشت. فرزندش میرزا محمد در سایه ولیعهد به تحصیل مشغول است و میرزای مشارالیه از برای هر یک از ائمه عشر قصیده گفته بود.» (حدیقه الشعرا، دیوان بیگی شیرازی، ج ۲، ص ۹۹۷)

«میرزا احمد، از اهل کاشان است. جوانی است خوش‌باطن و نیک‌نهاد، چون اکثر آن بلد دامنش چون دلش پاک است. یک چندی هم در درگاه نایب‌السلطنه از عداد ندما محسوب. در یکی از غزوات عمرش به سر آمد.» (سفینه‌المحمود، میرزا قاجار، ج ۲، ص ۴۳۸)

دیوان میرزا احمد صبور کاشی، از اشعار خوب ادبیات فارسی است که مشتمل بر قصیده، غزل، قطعه، ترکیب بند، رباعی، مثنوی و دارای ۵۳۶۱ بیت است. دیوان او شامل ۲۱۵۸ بیت قصیده، ۲۰۰۷ بیت غزل، ۵۷۴ بیت قطعه، ۳۰۰ بیت رباعی، ۲۷۲ بیت ترکیب بند و ۵۰ بیت مثنوی است.

در این مقاله از میان قالبهای شعری دیوان او، قصایدش از نظر سبکی مورد بررسی قرار می‌گیرد. قصاید او جمعاً چهل تا است که قصیده اول در مدح پیامبر اکرم (ص) و قصیده‌های دوم و سوم در مدح حضرت علی (ع) و از قصیده چهارم تا قصیده چهاردهم به ترتیب در مدح امامان بعدی، و بقیه قصاید بیشتر در مدح فتحعلی شاه قاجار و عباس میرزا بوده است.

پیشینه تحقیق و ضرورت انجام آن

با توجه به اینکه محقق سالیان متمادی در حوزه ادبیات فارسی فعالیت کرده و بر اساس مطالعات خود به این نتیجه رسیده که در زمینه دیوان اشعار میرزا احمد صبور کاشی کار و پژوهش خاصی صورت نگرفته است. لذا بنا بر اهمیت و ارزش موضوع دست به این کار زده تا گامی هر چند کوتاه در جهت رفع این مسأله مهم در حوزه سبک‌شناسی برداشته شود. و نوشتن این مقاله هم در راستای چنین امری بوده است.

سبک صبور کاشی در قصایدش

قصاید صبور کاشی را مثل هر منظومه شعری از سه دیدگاه میتوان بررسی کرد: دیدگاه زبانی، فکری و ادبی.

۱- سطح زبانی

۱-۱. بررسی قصاید در سطح آوایی

موسیقی بیرونی: منظور از موسیقی بیرونی همان وزن شعر عروضی شعر است. صبور کاشی در سرودن قصاید خود از سیزده وزن بهره میگیرد که بیشتر از اوزان مشهور شعر فارسی است.

بیشترین بسامد اوزان قصاید صبور کاشی، متعلق به بحر رمل است. کمترین بسامد مربوط به بحر منسرح است که تنها یک بار از آن استفاده شده است.

موسیقی کناری: از مجموع ۴۰ قصیده‌ای که در دیوان وی آمده است، ۲۴ قصیده بدون ردیف و ۱۶ قصیده دارای ردیف هستند. ۱۵ قصیده وی به صورت فعلی و تنها یک قصیده به صورت اسمی است. و همه قصایدش دارای قافیة اسمی هستند و در ردیف بیشتر گرایش به افعال ساده دارد و با استفاده صحیح از این موسیقی کناری به اشعار خود آب و رنگی خاص میبخشد.

در قصاید صبور کاشی حروف «ن» سیزده بار، «م» هفت بار، «ر» هفت بار، «ی» پنج بار، «ا» سه بار، «ق»، «ب»، «ز» و «گ» هر کدام یک بار به عنوان حرف روی، و «م» دو بار به عنوان حرف وصل به کار رفته‌اند.

موسیقی درونی: از ویژگیهای قصاید صبور کاشی، توجه وی به انواع جناس، تکرار، واج‌آرایی و تخفیف لغات است. در قصاید وی به انواع جناس توجه شده است.

جناس تامّ

تهمت‌نی که چو بنهاد در معارک روی
شکست ناخخش اندر تن **عظام عظام** (ق ۲، ب ۳۵)

ز ملک شام مرا به گدایی در تو
گدای را نبود گرچه گاه **شام آشام** (ق ۲، ب ۸۳)

جناس لفظی

یا به آنها هدهد از شهر **سبا**
چون **سبا** پیش سلیمان آمده (ق ۱۴، ب ۶)

جناس ناقص حرکتی

بلند بختی او بین که هفت **بُختی** چرخ
به زیر هودج امرش کشیده‌اند ستام (ق ۲، ب ۴۶)

گر وجود لنگر حلمش نبودی پایمرد
از متاع نیستی **فُلک فُلک** مشحون شدی (ق ۷، ب ۱۸)

جناس ناقص افزایشی

آن که گشت از غیرت خاک درش
بر **آسمانه** جاه تو **آسمان** بلند (ق ۲۳، ب ۱۸)

نخست از خرد آموخت شیوه **تعظیم** (ق ۲۸، ب ۳۴)

جناس ناقص اختلافی

ز قهر و لطف تو گیتی قرار جوید هان
به **رزم تیغ** و سنان چو به **بزم** شعر و ندیم (ق ۲۸، ب ۳۳)

ز شوق روی توام دیدگان **چنان** گریند
که اهل هاویه از حسرت **چنان** گریند (ق ۵، ب ۱)

جناس زاید یا مذیل

شاه با فرّ و شأن که **فرهنگش**
با همه فر دهد فلک را **هنگ** (ق ۲۴، ب ۲۲)

قدر او در **مکان** نمی‌گنجد
که بر از **لامکان** مکان برداشت (ق ۴، ب ۳۵)

جناس مرگّب

ز آب خود کامیست دایم گردش این آسیا
ور نه از بهر **دونان** دل‌های **دونان** خون شدی (ق ۷، ب ۷)

ز کوشش با تن **تنها** چو آری حمله بر **تن‌ها**
به رزم اندر چو در بیدار مردی پای بفشاری (ق ۱۰، ب ۴۶)

سطح لغوی

واژه‌های عربی: در کاربرد واژه‌ها، یکی از موارد قابل توجه، استعمال بعضی واژه‌های عربی است که معادل رایج آن در فارسی وجود دارد.

آیتی از التفات و شمه‌ای ز اعراض اوست آنچه در لوح قضا مسطور از خیر و شر است
(ق ۱، ب ۳۹)

ماحی آیات کفر و حامی آثار دین کز خدا بر خلق هم سلطان وهم پیغمبر است
(ق ۱، ب ۳۲)

نه بس عجب که دل از ملکت جهان برداشت که ملک لم یزل از بخت لاینام گرفت
(ق ۸، ب ۳۴)

طایر تیر از هوای معرکه افعی رمح از صفوف کارزار (ق ۳۲، ب ۳۷)

واژه‌های ترکی: صبور کاشی در قصاید خود یک بار از واژه ترکی استفاده کرده است:

تهمنتی که چو بنهاد در معارک روی شکست ناجخش اندر تن عظام عظام
(ق ۲، ب ۳۵)

واژه «ناجخ» در زبان ترکی به معنی «تبر» بکار می‌رود.

گاهی در معنی و شکل، واژه‌های فارسی را به تقلید از سبک خراسانی بکار برده است:

«سخت» را در معنی بسیار به کار برده؛

سخت دریغ آدمم کاین همه در خوشاب بر در دونان بری از طمع خام خویش
(ق ۹، ب ۱۴)

«فکرت» را در معنی اندیشه به کار برده؛

از کران و قعرش آگه نیست فکرت کاندران زورق اندیشه را نه بادبان نه لنگر است
(ق ۱، ب ۲)

«آسمانه» را در معنی سقف به کار برده؛

چه پایه داد قضا کاخ حشمت او را که آسمانه بر از اوج آسمان بگرفت
(ق ۱۸، ب ۸)

«پهلوی» را در معنی پهلوانی استعمال کرده؛

در بحار خون شناور چون نهنگ باره هر پهلوی نام آور است (ق ۱۹، ب ۱۳)

«آرنگ» را در معنی آرنج به کار برده؛

فتنه را شحنة سیاست او دست آرمان بریده از آرنگ (ق ۲۴، ب ۳۶)

«طلعت» را در معنی رخسار و چهره استعمال کرده؛

نموده طلعتش از روشنی طلیعۀ صبح گشوده طره‌اش از تیرگی دریچۀ شام (ق ۲، ب ۲)

«بر مزید» را در معنی زیاد به کار برده؛

بر مزید از خاک درگاه توام باد آبروی گرچه خود را دور از آن در عین نقصان یافتم (ق ۲۹، ب ۵۴)

«اسپهان» را به جای اصفهان استعمال کرده؛

سوی ملک اسپهان اینک سپاهی بی‌قرین در رکاب خسرو صاحبقران آورده‌ام (ق ۲۶، ب ۱۴)

«فریدون» را به شکل «افریدون» استعمال کرده؛

به گنج عافیت اندر به نیم جو نخرند هزار ملک سلیمان و گنج افریدون (ق ۶، ب ۲۳)

استعمال لغات مترادف

دیگرم نی طاقت و تاب و توان دیگرم نی صبر و آرام و قرار (ق ۲۳، ب ۱۳)

ترکیبات: ترکیب‌سازی در قصاید صبور کاشی بسامد بالای دارد:

در ذیل به چند مورد از این ترکیبات می‌پردازیم؛

«دریغ آمدن» در معنای افسوس خوردن

سخت دریغ آمدم کاین همه دُرّ خوشاب بر در دونبان ببری از طمع خام خویش (ق ۴، ب ۱۴)

«افسان کردن» در معنای تیز کردن

تا بَرَد از کین سپهر خنجر بدخواه او بر زحل افسان کند خنجر بهرام خویش (ق ۹، ب ۲۴)

«وام کردن» در معنای وام گرفتن

هرتن از آن خاک پای گوهر جان کرده‌وام خوش بود آن دم که من وارهم از وام خویش (ق ۹، ب ۲۹)

ترکیبات نو

کھین و پیرمکاتیب توست منشی چرخ

کمین کنیز غلامان توست بانوی بام (ق ۲، ب ۷۴)

استفاده از اسم اسبها در ترکیب سازی

قوایم از ره سرعت به خمّ خام گرفت
(ق ۸، ب ۳۸)

سمند عزم تو در پویه خنگ فکرت را

کادهم طغیان به جولان آمده
(ق ۱۴، ب ۶۵)

وقت شد تا رخس دولت زین کنی

استفاده از اعداد در ترکیب سازی

سه ره دور ازین هفت آبا گرفت
(ق ۱۳، ب ۴۵)
ز سوز سینه درونش چوسکنه کانون
(ق ۶، ب ۲۹)

چو زادندت این چار امّ عقلشان
هزار دجله روان گشت از دو دیده و بود

استفاده از اسم پرندگان در ترکیب سازی

بانگ شهناز و قیصران برداشت
(ق ۴، ب ۱۷)

بلبل نطقم از نوا خوانی

سطح نحوی: قصاید صبور کاشی در این سطح هم نکاتی دربر دارد که نشاندهنده تأثیر شعر او از زبان کهن خراسانیست.

جادوان عقل نخست آنجا به غواصی در است
(ق ۱، ب ۹)

گوهر مقصود تا روزی مگر آرد به دست

بحرین آن را زلال از شیر وشکر خوشتر است
(ق ۱، ب ۲۴)

چشمه خواندستی که هست آنرا شراب از انگبین

که ناله نیز نمی آیدم ز سینه برون
(ق ۶، ب ۱۱)

دروغم از غم بیهوده تنگ شد چندان

که همچون تو بودی به هر قول صادق
(ق ۱۱، ب ۳۳)

توان گفت صدیق اکبر کسی را

آسمان را چون زمین لرز اندر ارکان یافتیم
(ق ۲۹، ب ۲۷)

گرچه یک چند از نهیب توپ عالم کوبشان

۲- سطح فکری

صبور کاشی همچون شاعران دیگر دوره بازگشت ادبی، «از نظر فکری سعی در بیان همان افکار مرسوم در عهد غزنوی و سلجوقی در قصیده و افکار درون حافظ و سعدی در غزل داشتند و می کوشیدند حتی المقدور از مسائل روز استفاده نکنند تا هر چه بیشتر شعر به اسلوب قدما شبیه باشد. از این رو در زبان شعری و فکر شعری محدوده خاصی داشتند.

در قصیده تغزل و سپس مدح و در غزل مضامین عاشقانه و عارفانه مرسوم بود و از مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی سخن نمی‌گفتند.» (سبک‌شناسی شعر، شمیسا، ص ۳۱۷)

در ادامه به ذکر چند مورد از محورها و موضوعات فکری شاعر در قصایدش اشاره میکنیم:

۱-۲. اشعار مذهبی: «مقصود از اشعار مذهبی اشعاری است که شاعر در ستایش خدا و مدح و منقبت حضرت رسول(ص) و ائمه دین(ع) یا در زمینه‌های اعتقادی دیگر سروده است. این نوع شعر که از دیرباز مورد توجه شاعران مسلمان ایرانی بوده است، در همه دوره‌ها از جمله در دوره بازگشت ادبی وجود دارد و شاعران دوره مورد بحث، با سرودن مدایح و مراثی در قالب قصیده و ترجیع‌بند به بیان اعتقادات مذهبی و ارادت به خاندان نبوی همت نموده‌اند.» (تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی، خاتمی، ج ۲، ص ۲۱۵)

صبور کاشی نیز از جمله شاعرانی است که در چهارده قصیده اول قصاید خود، به مدح پیامبر اکرم(ص) و ائمه دین(ع) پرداخته است.

به چند مورد به عنوان مثال اشاره می‌گردد:

احمد مرسل که خاک پایش از روی شرف
تارک شاهان عالم را همایون افسر است
(ق ۱، ب ۳۱)

علی عالی امیر کلّ امیر
حسن آن شاه دین که فطرت او
امام ثامن ضامن علی بن موسی کاظم
که گشت از لطف او ظاهر کمال رحمت باری
(ق ۱۰، ب ۱۹)

نقی آن شمع دوده طه
روشنی بخش دیده احرار
(ق ۱۲، ب ۳۰)

مهدی هادی که در راه رشاد
گمراهان را رهبر جان آمده
(ق ۱۴، ب ۱۵)

از ویژگیهای مدایح اهل بیت در قصاید صبور کاشی، استفاده او از اشاره‌های تاریخی و داستانی، اصطلاحات عرفانی، اشاره‌های دینی و قرآنی، اشاره‌های اساطیری، اصطلاحات علمی و فلسفی، اصطلاحات نجومی و اصطلاحات موسیقی است که بیشتر در جهت تأیید مدایح اهل بیت است.

۱- اشاره‌های تاریخی و داستانی

گاه جودش نوح را بر کوه جودی رهنماست
گاه لطفش خضر را بر آب حیوان رهبر است
(ق ۱، ب ۵)

تشنه این جان شاهان سکندر چاکر است
(ق ۱، ب ۱۰)

هر غریقی را در آن شهد بقا در ساغر است
(ق ۱، ب ۱۵)

کرده درس قلندری تکرار (ق ۱۲، ب ۱۱)

که شرح سوره والشمس نور منظر اوست
(ق ۳، ب ۲۵)

چمن پایه طور سینا گرفت (ق ۱۳، ب ۱۵)

ز اوج چرخ بر آرد کمان رستم و سام (ق ۲، ب ۴۹)
که ملک جم و تخت دارا گرفت (ق ۱۳، ب ۵۳)

راست همچون جسم از جان و عرض از جوهر است
(ق ۱، ب ۳۹)

آنچه در لوح قضا مسطور از خیر و شر است
(ق ۱، ب ۳۹)

در جلال افزون ز کیوان آمده (ق ۱۴، ب ۲۲)
ز سگبانش گر طعمه سگبا گرفت (ق ۱۳، ب ۳۶)

پر دلان رابانگ کوس، آهنگ رود مزمز است
(ق ۱، ب ۸۳)

که چو نی ناله ز استخوان برداشت (ق ۴، ب ۳)

لازم به ذکر است که صنعت ادبی تلمیح در مدح پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام بسامد بالایی دارد. که در ذیل به چند مورد اشاره می شود؛
نوگلی چون تو داشت باغ خلیل کاذرش طبع گلستان برداشت (ق ۴، ب ۳۹)

گر سکندر طالب آب خضر یک چند بود

۲- اصطلاحات عرفانی

غرقه دریا نه جز زهر فنا نوشد ولی

صوفیان در خروش و وجد و سماع

۳- اشاره های دینی و قرآنی

نه هل اتی است همی در خصال او منزل

چو بر نار بن نار موسی دمید

۴- اشاره های اساطیری

زمانه از پی اقبال جاه حشمت او
کمین بندهات را سرایند خلق

۵- اصطلاحات علمی و فلسفی

زنده روح کاینات از طبع روح افزای آن

آیتی از التفات و شمه ای ز اعراض اوست

۶- اصطلاحات نجومی

کمترین هندوی قصر جاه او

اسد کی بی ثور بنهاد گام

۷- اصطلاحات موسیقی

از سپاهت ناله کی خیزد که در مضماری کین

دل گرفتار چنگ عشق تو گشت

جان نثار تو ساخت اسماعیل	کز سر صدق دل ز جان برداشت (ق ۴، ب ۴۰)
زان مسیح از فراز دار آسمان	جای بر چارم آسمان برداشت (ق ۴، ب ۴۳)
آن خلیل آثار عیسی دم که در دوران او	موسی ار بودی به درگاهش یکی هارون شدی (ق ۷، ب ۱۶)
مسیحا ازو زنده ماند ار دمی	به تن مرده جان از مسیحا گرفت (ق ۱۳، ب ۲۹)
هم ز ترویج نسیم لطف او	بر خلیل آذر گلستان آمده (ق ۱۴، ب ۲۷)
نیم شب بر نخل طور از نور خویش	قایم موسی عمران آمده (ق ۱۴، ب ۲۹)
و همچنین صبور کاشی در مدح پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام از ترکیبات عددی استفاده کرده است؛	
شکسته پایه قدرش علوتنه گردون	نهفته پرتو رایش فروغ هفت اجرام (ق ۲، ب ۳۹)
ایا سپهر کرامت که نه سپهر بلند	ز رشک پایه جاه تو جاودان گریند (ق ۵، ب ۳۷)
خیام جلال تو را لوحش الله	کبود آیتی آمد این نه سراقق (ق ۱۱، ب ۳۰)
چو زاندندت این چار ام عقلشان	سه ره دور ازین هفت آبا گرفت (ق ۱۳، ب ۴۵)
ای فروتر پایه گاه تو را	سایه برتر زین نه ایوان آمده (ق ۱۴، ب ۳۳)

۲-۲. **مدیحه و اشعار درباری:** «بعد از انقراض زندیه که با حکومت سی ساله و آرام خود زمینه را برای رونق مجدد شعر و شاعری فراهم آورده بودند، پادشاهان قاجار بر تخت سلطنت جلوس کردند، آقا محمد خان، مؤسس سلسله قاجار نیز به شعر توجهی نکرد و لذا دربار او همچنان خالی از شاعر ماند. اما از روزگار فتحعلی شاه، شعر درباری گرمی بازار خود را باز یافت. صبور کاشی و غیر آنها در دربار این پادشاه شاعر پرور که خود نیز شاعر شاعری داشته است، راه یافتند و زبان به مدح او گشودند.» (همان، ص ۲۲۳)

در زیر به چند نمونه از مدح شاعر که در قصاید خود در مورد فتحعلی شاه قاجار و فرزندش عباس میرزا سروده است، اکتفا می‌کنیم:

جهاندار فتحعلی شه که بخت	پیاده روان باشدش در رکاب (ق ۱۷، ب ۲۴)
شیردل فتحعلی شه کز ازل	رستخیز اندر حسامش مضمراست (ق ۱۹، ب ۵)

معدن انصاف و عین معدلت عباس شاه
کز تمیزش فتنه از چشم بتان ممتاز شد
(ق ۲۱، ب ۱۲)

عباس شاه زینت تخت کیان که هست
از زیور مدایح او زیب دفترم (ق ۲۵، ب ۲۷)

۲-۳. اشعار عرفانی: «تصوّف و عرفان از دیرباز در ادبیات ایرانی جلوه‌گری داشته، در شعر شعرای دوره بازگشت ادبی نیز به چشم می‌خورد. گرچه تصوّف و عرفان این دوره، جاذبه‌های دوره گذشته را ندارد.» (همان، ص ۲۱۹)

صبور کاشی نیز از شاعرانی است که در قصاید و اشعار خود تمایلی به تصوّف و عرفان از خود نشان داده است:

گر سکندر طالب آب خضر یک چند بود
تشنه این جان شاهان سکندر چاکر است
(ق ۱، ب ۱۰)

فقرش از فقر است و باشد ننگش از هر زیوری
تا جداران را اگر جاوید فخر از زیور است
(ق ۱، ب ۴۵)

از می وصلم چو داد ساغر شادی نهاد
بهر گزک بر لبم پسته و بادام خویش
(ق ۹، ب ۲)

صوفیان در خروش و وجد و سماع
ز دست مغان زاهد پارسا
کرده درس قلندری تکرار (ق ۱۲، ب ۱۱)
می لعل در پای ترسا گرفت
(ق ۱۳، ب ۱۸)

۳- سطح ادبی: «به لحاظ ادبی مرسوم‌ترین قالب شعری در این دوره قصیده و غزل است. قصیده بازگشت بر دو نوع است یکی قصاید امثال سروش و محمود خان صبا که به سبک شاعران عهد غزنوی چون عنصری و فرّخی است و به همان شیوه ساده است و صناعات ادبی در آنها کم است و دیگر قصاید امثال قائنی که به اسلوب دوره سلجوقی است و مانند اشعار انوری و خاقانی پر از صناعات ادبی و تلمیحات و به طور کلی مشکل است. اما غزل بیشتر سعدی‌وار است یا تلفیقی از شعر سعدی و حافظ است و صناعات آن معتدل است.

اصول ادبی این دوره، همان اصول سبک خراسانی است.» (سبک‌شناسی شعر، شمیسا، ص ۳۱۹)
لازم به ذکر است که قصاید صبور کاشی از قصاید نوع دوم است که بسامد صناعات ادبی از قبیل استعاره، تشبیه، کنایه، تلمیح و تضاد بالا و سایر صناعات در آن معتدل است.

استعاره مکنیه یا بالکنایه

به هر کجا که نهد روی بخت بیدارت
شود به خواب عدم چشم فتنه ایام (ق ۲، ب ۷۳)

- به گوش هوش چو پیکان بصد شتاب آرند
استعاره مصرّحه
- کشفید نرگس مستش ز عیش خنجر ناز
چو آوری پی کین رخس باد پی به نشاط
- سهم از اجل آن دم هزار گونه پیام (ق ۲، ب ۵۸)
- کجاروم که جهانی شهید خنجر اوست (ق ۳، ب ۳)
- چو بر کشی پی رزم آب آتشین ز نیام
(ق ۲، ب ۶۵)
- انواع تشبیه
- تشبیه حسّی به حسّی
- تنم ز مویه چو موگشت و ای فغان که هنوز
زرشک طلعت چون آفتاب تو مه بدر
- چو دیده جان و دل از شوق آن میان گریند
(ق ۵، ب ۱۱)
- چنان بکاست که گفتند عاد کالرجون
(ق ۶، ب ۴۰)
- تشبیه عقلی به حسّی
- با خدنگ قهر او توأم قمیص و جوشن است
طسوطی طسبعم از سـخندانی
- با حسام خشم او یکسان خمار و مغفر است
(ق ۱، ب ۳۴)
- راه صد گونه داستان برداشت (ق ۴، ب ۱۶)
- تشبیه عقلی به عقلی
- گره ابر از لطف طبعش جود دارد مستعار
راستی از حسن نظم تست کاندراغ خلد
- از چه باران نوالش در همه بحر و بر است
(ق ۱، ب ۲۵)
- سروبالای بتان سیمبرموزون شدی (ق ۷، ب ۳۰)
- تشبیه حسّی به عقلی
- خاک درت ای سرور شاهان جهانگیر
تا زهر همی باشد چون هجر جگرسوز
- چون آب حیات است روانبخش و فرحزا
(ق ۱۵، ب ۳۷)
- تشبیه مفرد به مرکب
- آب شد تسنیم و کوثر، خاک مشک و زعفران
کآیت مینو جهان از چرخ مینا یافته
(ق ۳۶، ب ۴)
- تا شهد همی باشد چون وصل گوارا
(ق ۱۶، ب ۴۲)

تشبیه مرگب به مرگب

سموم قهر تو سرکش چو باد در بهمن
نسیم لطف تو دلکش چو ابر در نیسان
(ق ۳۲، ب ۲۴)

تشبیه مفروق

به بر چو آب حیات و به لب چو لعل مذاب
به قد چو سرو روان و به رخ چو ماه تمام
(ق ۳۲، ب ۲۴)

لطف او مادر است و مردم طفل
آسمان دایه بر خواص و عوام (ق ۳۰، ب ۲۹)

کاربرد اضافه‌های تشبیهی

در شعر صبور کاشی برخی ترکیبات اضافی بویژه اضافه‌های تشبیهی به کار رفته است که جای تأمل دارد. اهمیت اضافه‌های تشبیهی در این است که در خیال‌انگیزی کلام نقش دارد. «اضافه‌های تشبیهی بخصوص اضافه‌ای که در آن مشبّه به، به مشبّه اضافه میشود از زیبایی بیشتری برخوردارند و به استعاره نزدیک‌ترند.» (فنون ادبی، احمد نژاد، ص ۸۸)

در ذیل برخی از اضافه‌هایی که در قصاید صبور کاشی به کار رفته، ذکر میگردد:
زورق اندیشه، کشت امل، نخل رجا، گوهر مقصود، مزرع آمال، زهر فنا، شهد بقا، خدنگ قهر، حسام خشم، لوح قضا، رایت پرهیزگاری، خنجر ناز، چنگ عشق، شب فراق، صرصر قهر.

در این ترکیبات، اکثر مضاف‌الیه‌ها اسم معنی و امری ذهنی است که نشان میدهد، شاعر به لحاظ روحی، انسان معناگراست و از این طریق سعی دارد امور ذهنی را برای مخاطب عینی و ملموس نماید.

کنایه

- میان به خدمت بستن:

به صدر مسند نازش نشاندم و بستم
میان به خدمتش از جان به صد هزار اکرام
(ق ۲، ب ۱۶)

- دم زدن:

پرده دار حریم حرمت تو
زیبید از دم زند ز رضوانی (ق ۳۸، ب ۳۶)

تلمیح

گاه جودش نوح را بر کوه جودی رهنماست
گاه لطفش خضر را بر آب حیوان رهبرست
(ق ۱، ب ۵)

که شرح سورة وَالشَّمْسِ نور منظر اوست (ق ۳، ب ۲۵)	نه هل اتی است همی در خصال او منزل
چمن پایه‌طور سینا گرفت (ق ۱۳، ب ۱۵) به تلخکامی فرهاد از غم شیرین (ق ۳۵، ب ۲۱)	چو بر نار بن نار موسی دمید به نامرادی مجنون ز فرقت لیلی
همیشه تا شود گریان هوا از ابر آزاری (ق ۱۰، ب ۶۱)	تشخیص همیشه تا بود خندان چمن از باد نوروزی
زهره را چنگ دلنواز به چنگ (ق ۲۴، ب ۴۷)	مهر را تیغ جانگداز به کف
که جبرئیل ندارد در آن مجال مقام (ق ۲، ب ۵۰) بسته پای جهانیان ز خرام (ق ۳۰، ب ۱۴)	تصدیر مقام قرب وی آنجا رسیده از رتبت از خرام آرمیده در نیرنگ
از تفاخر سر بر اوج آسمان دارد مرا (ق ۱۵، ب ۲۹) همه دانشوران به نادانی (ق ۳۸، ب ۴۶)	اغراق خاک بوس آستانش کارزوی عالمی است پیش دانایی تو معترفند
کز خدا بر خلق هم سلطان و هم پیغمبر است (ق ۱، ب ۳۲)	قلب بعض ماهی آیات کفرو حامی آثار دین
که آن را قطره افشانیست کار این را گهر باری (ق ۱۰، ب ۳۶)	تقسیم چه نسبت ابر را با دست گوهر بار فیاضش
که این را درنگ است و آن را شتاب (ق ۱۷، ب ۲۰)	ز عمر جهان آستان تو به
ولی‌والی والا امام کلّ انام (ق ۲، ب ۳۳) همه سیم سیم و زرین ثياب (ق ۱۷، ب ۷)	تنسیق الصفات علی عالی امیر کلّ امیر همه نازک اندام و فربه سرین

تجاهل العارف

یا رب این تمثال دشت محشر است یا سواد رزم شیران نر است (ق ۱۹، ب ۱)

نتیجه

در سطح زبانی، بیشترین بسامد اوزان قصاید صبور کاشی، متعلق به بحر رمل و کمترین بسامد مربوط به بحر منسرح است که تنها یک بار از آن استفاده شده است. از مجموع چهل قصیده دیوان اشعار وی، بیست و چهار قصیده بدون ردیف و شانزده قصیده دارای ردیف هستند.

پانزده قصیده وی به صورت فعلی و فقط یک قصیده به صورت اسمی است و در ردیف بیشتر گرایش به افعال ساده دارد. از ویژگیهای قصاید صبور کاشی، توجه به انواع جناس، واج‌آرایی و تخفیف لغات بوده است.

در کاربرد این واژه‌ها، یکی از موارد قابل توجه، استعمال بعضی واژه‌های عربی است که معادل رایج آن در فارسی وجود دارد و یک بار از واژه ترکی ناخن استفاده شده است و استفاده از ترکیبات در قصاید وی بسامد بالایی دارد.

در سطح فکری سعی شاعر در بیان همان افکار مرسوم در عهد غزنوی و سلجوقی در قصیده بوده است و محورهای فکری شاعر بیشتر اشعار مذهبی، مدیحه و اشعار درباری و اشعار عرفانی را نمایانده است.

در سطح ادبی مرسوم‌ترین قوالب شعری در دوره صبور کاشی قصیده و غزل، و اصول ادبی دوره بازگشت ادبی همان اصول سبک خراسانی بوده است و بسامد صناعات ادبی از قبیل استعاره، تشبیه، کنایه، تلمیح و تضاد بالا و سایر صناعات در آن معتدل است.

منابع

۱. تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی، خاتمی، احمد (۱۳۷۳)، جلد ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات پایا.
۲. تصحیح و تعلیق دیوان صبور کاشی، صبور کاشی، میرزا احمد (۱۳۹۲)، به اهتمام نگارنده مقاله (پایان نامه دکتری واحد تبریز)
۳. حدیقه‌الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، سید احمد (۱۳۶۵)، با تصحیح و تکمیل و تحشیه عبدالحسین نوایی، جلد ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات زرین.
۴. سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.

۵. سفینه‌المحمود، میرزا قاجار، محمود (۱۳۴۶)، به تصحیح و تحشیۀ خیامپور، جلد ۲، تبریز: انتشارات مؤسسۀ تاریخ و فرهنگ ایران.
۶. فنون ادبی، احمد نژاد، کامل (۱۳۷۴)، چاپ دوم، تهران: انتشارات پایا.
۷. فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۱)، چاپ هشتم، تهران: نشر هما.
۸. کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۵)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.
۹. موسیقی شعر، شفیع‌ی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۶)، چاپ پنجم، تهران: انتشارت آگاه.

Archive of SID